

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال هجدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۴۰۳
صفحه ۷۹ تا ۱۰۰

بررسی عدالت قضایی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه مطالعه

موردی حق سکوت

محمد دحیمی / دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران
اسماعیل عبدالهی / استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران
smael4520@iran.ir (نویسنده مسئول)

مریم صفایی / استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

چکیده

رعایت حقوق متهمین در جریان دادرسی از ملزومات اجرای عدالت قضایی است و این اصل علاوه بر مقرره‌های بین‌المللی، در قوانین ملی کشورها نیز تجلی یافته است. هدف از تحقیق حاضر، مطالعه‌ی موردی حق سکوت در حقوق ایران و فرانسه است. سوال اصلی مقاله‌ی حاضر این است: وجوه اشتراک و افتراق در زمینه حق سکوت در حقوق دو کشور ایران و فرانسه کدام است؟ بر اساس فرضیه‌ای که متعاقب این سوال مطرح می‌شود، هم در ایران و هم در فرانسه حق سکوت متهم به طور صریح به رسمیت شناخته شده و تضمین شده است، اما نحوه‌ی اعمال و محدوددهی آن دقیقاً مشخص نیست. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که صرف نظر از شناسایی حق سکوت در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، اولاً رویه‌ی قضایی ایران با سیاست تقنینی نامبرده چندان هماهنگی ندارد و ثانیاً در قوانین عادی ایران مواردی یافت می‌شود که بر کم‌توجهی یا عدم اعتقاد قانونگذار به اصل حق سکوت متهم در حقوق کیفری دلالت دارد. روش تحقیق در مقاله‌ی حاضر، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند.

کلیدواژه: حق سکوت، اصل برائت، فرآیند کیفری، تفهیم اتهام

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۵

مقدمه

حقوق متهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با قدمتی حدود ۹۵ سال در قانون اصول محاکمات جزایی و قانون آیین دادرسی کیفری، توسط صاحب‌نظران از زوایای مختلف مورد بررسی، نقد و کنکاش قرار گرفته است. لیکن امروزه قسمت مهمی از بحث‌های حقوق بشری ناظر به آیین دادرسی کیفری و مفاهیم محاکمه عادلانه و منصفانه، حقوق شهروندی و به ویژه حقوق متهم در مراحل نخستین رسیدگی و در مواجهه با ضابطان و قضات تحقیق (دادیار، بازپرس و قاضی تحقیق) است. فرآیند حق سکوت در نظام‌های حقوقی، به ویژه امور کیفری، از موضوعات مهم و در عین حال مورد اختلاف نظر حقوق‌دانان و برخی فقیهان می‌باشد. اهمیت این امر بدین خاطر است که در صورت بروز سکوت متهم، قاضی محکمه ناگزیر به دنبال دلایل دیگری خواهد رفت. لذا برای این فرآیند ظاهراً متضاد، مبانی و اصولی در نظر گرفته شده و بر اساس این مبانی، مواد قانونی جدیدی از متون حقوقی و فقهی استخراج و تدوین شده است. از جمله‌ی این مبانی می‌توان به سه اصل براءت، کرامت و آزادی فردی اشاره کرد. با توجه به اصل براءت می‌توان گفت که مبنای انکار و حق سکوت را باید در فرض بی‌گناهی جست‌وجو کرد. بر این اساس، الزام مقام پی‌گرد به ارائه‌ی دلیل و عدم الزام متهم به ارائه‌ی دلیل مبنی بر بی‌گناهی خود، وی را از حق سکوت بهره‌مند می‌کند. توضیح آنکه متهم در پناه این فرض، بی‌گناه محسوب شده و مدعی مجرمیت باید دلایل خود را ارائه نماید.

در مقاله‌ی حاضر، به منظور درک حق سکوت متهم از یک سو و بررسی جایگاه این حق در نظام حقوقی و قضایی ایران از سوی دیگر، تلاش کرده‌ایم تا با اتخاذ رویکردی تطبیقی، موضوع تحقیق را بیشتر تبیین نماییم. برای نیل به این مقصود، حق سکوت متهم در نظام قضایی کشور فرانسه انتخاب شده است تا با مقایسه‌ی آن با جایگاه حق مذکور در نظام قضایی ایران، ابعاد مشترک و متفاوت حقوق دو کشور در ارتباط با موضوع مطالعاتی به بحث گذاشته شود. همانطور که خواهیم دید، بر طبق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، حق سکوت متهم توسط قانونگذار ایرانی به رسمیت شناخته شده است. در فرانسه هم بر اساس ماده ۶۳-۱ قانون آیین دادرسی کیفری، فرد متهم از حق سکوت در جریان دادرسی برخوردار است. مع‌الوصف، با وجود این صراحت قانون، در عمل حدود و ثغور حق سکوت متهم و چگونگی اعمال آن با مسائلی مواجه است. در واقع، بر طبق یافته‌های تحقیق، در حقوق فرانسه، مسئله‌ی ماهیت حق سکوت، مفهوم حق سکوت و نیز قلمروی آن در کنار استنباط‌های موجود در این زمینه، مورد

توجه بوده است. این در حالی است که در حقوق ایران، به‌رغم پذیرش حق سکوت، با عدم ورود رویه‌ی قضایی به آن مواجه هستیم و در نتیجه قلمروی حق سکوت روشن نیست.

۱-۱. پیشینه تحقیق

فلاح‌نژاد و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «حقوق دفاعی متهم: حق سکوت و منع اجبار به خودمجرمانگاری در سیستم عدالت کیفری ایران و جمهوری خلق چین»، اذعان کرده‌اند که در حقوق ایران حق سکوت متهم به صراحت مورد پذیرش قرار گرفته است، در حالی که در نظام قضایی چین در این مورد اختلاف وجود دارد. در مقابل، در باب حق منع خودمجرمانگاری در ایران، مقررهای حقوقی خاصی وجود ندارد، اما در چین بر این اصل تصریح شده است. مولفان، با استناد به مدارک و قوانین موجود دو کشور در این زمینه، تلاش کرده‌اند تا چالش‌ها و موانع موجود را نیز نشان دهند.

موسوی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی چالش‌های اخلاقی حق سکوت متهم در نظام حقوقی ایران»، بر این موضوع تأکید کرده‌اند که علی‌رغم تصریح حق سکوت متهم در قوانین ایران، اما ابعاد اجرایی و رعایت آن در دادرسی‌ها همچنان مورد مناقشه است. به اعتقاد مولفان، هم مسئله‌ی اخلاقی حق سکوت و مسئله‌ی کرامت انسانی و حق سکوت در پرتو اصل برائت وجود دارد و هم رعایت حق سکوت در جریان دادرسی‌ها. بر اساس تحقیق مزبور، اهمیت سازوکارهای اخلاقی یا تقنینی، قضایی، اداری و انتظامی برای تسهیل در اجرای رعایت حق سکوت متهم در مراحل مختلف دادرسی است.

شعبانی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «مطالعه تطبیقی حق سکوت متهم در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای»، به بررسی حق سکوت متهم پرداخته و نشان داده که در اسناد فراملی نیز حق سکوت متهم موضوعی است که تکلیف یا عدم تکلیف مقامات قضایی و محدوده‌ی آن، در آگاه کردن متهم مبنی بر ساکت ماندن در مقابل اتهامات است. طبق نظر مولف، اصل برائت به عنوان یکی از اصول حاکم بر حقوق کیفری و دادرسی‌های جزایی، ارتباط عمیقی با حفظ حقوق و آزادی‌های فردی در جامعه دارد؛ اما صرف نظر از این شناسایی در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، رویه‌ی قضایی ما همگام با سیاست تقنینی مزبور نیست.

قرقانی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «حق سکوت متهم در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق ایران»، بیان داشته که حق سکوت متهم، یکی از نتایج قطعی التزام به اصل برائت است. اصل مصونیت در برابر خوداتهامی نیز، دیگر مبنای آن عنوان گردیده است.

حق سکوت متهم بدین معناست که به موجب قانون، متهم این حق و اختیار را داشته باشد که در مقابل ادعا و شکایت اقامه شده علیه او، کاملاً دم فروبندد تا شاکی/دادستان، زمام اثبات ادعایشان را به دست گیرند. در برخی اسناد بین‌المللی نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک، به برقرار بودن این حق برای متهم تصریح شده است. حق سکوت، در رویه‌ی قضایی و مجموعه مقررات این دادگاهها، جایگاه شایسته‌ای دارد؛ یعنی علاوه بر مورد تاکید قرار گرفتن موضوع استقرار این حق برای متهمین، دیگر ابعاد و زوایای این حق، از جمله عدم امکان استنباط خلاف از سکوت متهم نیز تعیین و بیان شده‌اند. اما در ارتباط با جایگاه این حق در بستر حقوق ایران باید گفت که از جستجو در دامان پنهانور فقه نخواهیم توانست در مورد وجود حق تصریحی موسوم به حق سکوت متهم، سخن بگوییم. اکبرزاده (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با عنوان «جایگاه حقوق متهم در قانون آیین دادرسی کیفری جدید»، اظهار داشته که حقوق متهم جزء طبیعی و ذاتی نوع بشر است و چیزی نیست که دولت مردان به مردم واگذار کرده باشند و بتوانند از آنان سلب نمایند. لذا بر حاکمان است که تدابیر لازم جهت رعایت و حمایت از آن را فراهم نمایند و امکانات لازم بر اختیار متهم بگذارند تا وی بتواند در صورت بی‌گناهی، از اتهامات ناروا تبرئه شود. حق دفاع متهم یکی از عناصر امنیت قضایی در کنار حق دادخواهی است که باعث آسایش و آرامش حقوقی شهروندان و در نتیجه موجب پیشرفت جامعه‌ی بشری در زمینه‌ی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره می‌شود.

در خصوص ضرورت و نوآوری پژوهش حاضر که در دو محور انکار و حق سکوت انتخاب شده است می‌توان گفت که با توجه به اینکه تاکنون در هیچ‌یک از قوانین جاری ایران به سکوت متهم به عنوان یک حق و همچنین به اصول، ضوابط، ابعاد و چارچوب‌های آن صریحاً اشاره‌ای نشده است، پس انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌آید. شایان ذکر است که در لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری، حق بودن حق سکوت برای متهم توسط قانون‌گذار مورد تأکید واقع شده است؛ لیکن در لایحه‌ی مزبور نیز برخی ابعاد و زوایای این حق روشن نشده است. از سوی دیگر، متهم در مراحل اولیه‌ای که جرم او ثابت نشده و در مظان اتهام قرار دارد، از حقوقی برخوردار است که ریشه در قوانین مدون دولت‌ها دارد. لذا فرض قرار دادن حقوق برای متهم از اصول اساسی قوانین کیفری دو کشور ایران و فرانسه است که در این پژوهش با استناد به یافته‌های جدید مورد بررسی خواهد گرفت.

۱-۲. مبانی حق سکوت متهم

قبل از بررسی اصل حق سکوت در حقوق ایران و فرانسه و ارائه‌ی مطالعه‌ای تطبیقی در این زمینه، باید به مبانی حق سکوت متهم پرداخت. این مبانی عبارتند از حقوق دفاعی (دادرسی عادلانه، اصل بی‌طرفی قاضی، اصل عادلانه و منصفانه بودن دادرسی)، حق داشتن وکیل، علنی بودن دادگاه، تفهیم اتهام، استقلال و بی‌طرفی دادگاه، مشروعیت سلب خودسرانه‌ی آزادی، حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه‌ی دفاعیه، تحصیل دلایل در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی و رعایت حقوق متهمان.

۱-۱-۲. بررسی مبانی حقوق دفاعی متهم

مبانی حقوق دفاعی متهم شامل دادرسی عادلانه، اصل بی‌طرفی قاضی و اصل عادلانه و منصفانه بودن دادرسی است که در ذیل به این موارد پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱-۲. دادرسی عادلانه

دادرسی به معنی اعم آن عبارت است از رشته‌ای از علم حقوق که هدف از آن تعیین قواعد درباره‌ی تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها می‌باشد. در فقه به دادرسی عادلانه علم‌القضاء می‌گویند و دادرسی به معنی اخص آن، مجموعه عملیاتی است که به هدف پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می‌رود؛ مانند مجموعه مقرراتی که برای اخذ یک تصمیم در یک دعوی معین به کار برده می‌شود (شمس، ۱۳۹۵، ص ۱۹).

دادرسی به معنای اخص، مجموعه عملیات و اقداماتی است که به قصد پیدا کردن یک راه حل قضایی مورد استفاده واقع می‌شود؛ مانند: مجموعه مقرراتی که برای گرفتن یک تصمیم در یک دعوی معین به کار برده می‌شود (سهراب‌بیگ، ۱۳۸۰، ص ۳۶) یا رسیدگی مرجع قضاوتی به دعوی یا امر مطروحه؛ یعنی ادعاها، ادله، استدلالات و خواسته‌ی خواهان، ضمن لحاظ کردن پاسخ خوانده که در جهت صدور رأی، موثر است (محمدخانی، ۱۳۹۰).

۱-۱-۲-۲. اصل بی‌طرفی قاضی

استقلال قاضی که به نحوی با استقلال قوه‌ی قضائیه گره خورده است، موضوع برخی از اصول قانون اساسی می‌باشد:

۱. اصل ۱۵۶ قانون اساسی چنین مقرر داشته است: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است...»

۲. اصل ۱۵۸ قانون اساسی: «وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است: استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها...» همانطور که می‌دانیم، عدالت قاضی به نحوی تضمین‌کننده‌ی استقلال و عدم جانبداری وی از احد طرفین دعوی است.

۳. از آنجا که صفت عدالت یکی از شرایط شرعی و فقهی برای قاضی است و قانون اساسی ایران نیز مبتنی بر اساس فقه امامیه است، لذا در اصل ۱۵۳، این شرط برای قاضی لازم شناخته شده است (متین دفتری، ۱۳۹۲، ص ۲۰۱).

حذف نهاد دادرسی از پیکره‌ی نظام دادرسی کیفری ایران در سال ۱۳۷۳ به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ضربه‌ای بر اصل بی‌طرفی قاضی بود. به موجب قانون فوق، شخص قاضی، هم مستنطق بود و هم قضاوت‌کننده. دادرسی که خود متهم را مورد بازجویی قرار می‌دهد، خود از وی اخذ توضیحات می‌نماید و طوری سخن می‌گوید که گویی اصل را بر محکومیت وی قرار داده است. چنین شخصی چگونه خواهد توانست در مقام انشاء رأی، با بی‌طرفی کامل رأی دهد؟ با فرض وجود دادرسی، اشکال فوق برطرف می‌گردید و دادستان با کیفرخواست تقدیمی، بار بازجویی و اخذ توضیحات را تا حدود قابل توجهی از دوش قاضی بر می‌داشت. خوشبختانه دادرسی در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ تا حدودی احیاء شدند و قانون‌گذار پی به اشتباه خود برد و بار دیگر اصل بی‌طرفی قاضی تقویت گردید (ماده ۳ قانون فوق) با این حال، در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۳۱، موادی که در حمایت از اصل استقلال و بی‌طرفی قاضی وضع شده است بدین قرارند:

الف. ماده ۴۶ قانون فوق که موارد رد دادرسی را گفته، مقرر داشته است: «دادرسان و قضات تحقیق در موارد زیر باید از رسیدگی و تحقیق امتناع نمایند و طرفین دعوی نیز می‌توانند آنان را رد کنند:

۱. وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی یا قاضی تحقیق با یکی از طرفین دعوی یا اشخاصی که در امر جزایی دخالت دارند.
۲. دادرسی یا قاضی تحقیق، قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکلف امور قاضی یا همسر او باشد.
۳. دادرسی یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزند آنان، وارث یکی از اشخاص باشند که در امر جزایی دخالت دارند.

۴. دادرس یا قاضی تحقیق در همان امر جزایی، اظهارنظر ماهوی کرده و یا شاهد یکی از طرفین باشد.

۵. بین دادرس یا قاضی تحقیق و یکی از طرفین یا همسر و یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.

۶. دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزندان آنان نفع شخصی در موضوع مطروح داشته باشند.

همان‌طور که روشن است، لزوم امتناع از رسیدگی به سبب موارد فوق توجیهی غیر از حمایت از اصل بی‌طرفی قاضی و جلوگیری از شائبه‌ی جانبداری قاضی از احد طرفین دعوی ندارد.

ب. ماده ۱۵۱ قانون فوق اشعار می‌دارد: «قاضی از هر یک از شهود و مطلعین جداگانه و بدون حضور متهم، تحقیق می‌نماید، اظهاراتشان را نوشته و به امضا یا اثر انگشت آنان می‌رساند...»

ماده ۱۹۶ قانون فوق در راستای مفاد ماده قبل مقرر داشته است: «دادگاه مکلف است از گواهان به طور انفرادی تحقیق نماید و برای عدم ارتباط گواهان با یکدیگر و یا با متهم اقدامات لازم را معمول دارد.»

ماده ۲۱۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۳۱ مقرر داشته است که قاضی دادگاه پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رأی در خصوص براءت یا مجرمیت متهم نباید به صورت علنی اظهار عقیده نماید.

قاعده‌ی منع کسب و تحصیل دلیل برای اصحاب دعوی توسط قاضی که هم در امور کیفری و هم در امور حقوقی لازم‌الرعايه است، باز خود حکایت از تضمین اصل بی‌طرفی قاضی دارد.

ماده ۵۲ لایحه‌ی فوق دو محدودیت را برای قاضی در جهت حفظ استقلال و بی‌طرفی وی قائل شده است:

۱. ممنوعیت شرکت در احزاب سیاسی و جمعیت‌های وابسته به آنها.

ماده فوق مقرر داشته است: «به منظور حفظ بی‌طرفی کامل و رعایت احترام و شئون قضائی، عضویت متصدیان مشاغل قضائی در احزاب و جمعیت‌های سیاسی وابسته به آنها ممنوع است.»

۲. ممنوعیت انتشار مجله‌ی سیاسی و حزبی.

به موجب ماده‌ی فوق، هر گونه تبلیغات حزبی و انتشار روزنامه یا مجله‌ی سیاسی و حزبی برای قضاوت ممنوع است (آشوری، ۱۳۹۳، ص ۱۹۹).

۳-۱-۱-۲. اصل عادلانه و منصفانه بودن دادرسی

از نگاه بسیاری از حقوقدانان، قانون جدید آیین دادرسی کیفری مزیت‌ها و نوآوری‌های زیادی دارد و بسیاری از نقایص و مشکلات قانون پیشین را برطرف ساخته و در زمینه‌ی حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و از نکات و زوایای مثبتی برخوردار است که می‌تواند قانون دادرسی کیفری کشور را به قوانین پذیرفته‌ی جهانی در این زمینه نزدیک سازد. احیای دادرسی‌های استانی از مزیت‌های قانون جدید است. در سال ۱۳۷۴ انحلال دادرسی‌ها و در سال ۱۳۸۵ انحلال دادرسی‌های استان صورت گرفت و بدین گونه نظارت متمرکز بر دادرسی‌ها و ضابطان به صورت عملی از بین رفت و امکان این نظارت نیز از طریق دادگاه میسر نبود (کشاورز، ۱۳۹۲).

۲-۱-۲. حق داشتن وکیل

«حق انتخاب وکیل مدافع یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی عادلانه می‌باشد، زیرا همه‌ی انسان‌ها حقوق‌دان نیستند. پس چه در دعای مدنی چه جزایی، به حضور وکیل مدافع برای تأمین عدالت نیازمندند» (صیاد، ۱۳۹۰، ص ۷)، به این اصل، تناظر یا توافقی بودن دادرسی گفته می‌شود.

۳-۱-۳. اصل علنی بودن دادگاه

علنی بودن محاکمات، نوعی نظارت مردمی برای محافظت از کیفیت تحقیق اجرای عدالت، احقاق حقوق مقضّر از جرم، رعایت حقوق دفاعی متهم و نیز تأمین منافع جامعه در تعقیب بزهکاران است» (موزن‌زادگان، ۱۳۷۳، ص ۲۷۹). رسیدگی علنی به عنوان یک تضمین اساسی برای عادلانه بودن و استقلال روند قضایی است و ابزاری حمایتی برای اعتماد عمومی و نظام قضایی می‌باشد. در اسناد معتبر حقوق بشری نیز این مسئله مد نظر قرار گرفته است؛ از جمله‌ی این اسناد می‌توان به ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی سیاسی، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشاره نمود.

۴-۱-۲. اصل تفهیم اتهام به متهم

در همین زمینه شق الف بند ۱ ماده ۱۱۷ اساسنامه‌ی دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «به زبانی که متهم کاملاً درک کرده و با آن صحبت می‌کند فوراً و دقیقاً از ماهیت، سبب و محتوای اتهام مطلع شود. بند ۲ از ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز این مسئله را اعلام می‌دارد. در همین زمینه، «دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح کرده است که بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این معناست که باید برای شخص بازداشت‌شده با زبانی ساده که درک کند و نه زبان تکنیکی و پیچیده، نکات اساسی حقوقی و واقعی علت بازداشت او شرح داده شود؛ به گونه‌ای که اگر او بازداشت خود را نامناسب یافت، علیه آن طرح دعوا کند» (صابر، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲).

۵-۱-۲. استقلال و بی‌طرفی دادگاه

«حق محاکمه شدن توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف، امروزه به یکی از اساس‌ترین حقوق آدمیان بدل شده است، این حق به روشنی در مقررات بین‌المللی حقوق بشر آمده است و در بسیاری از قوانین اساسی ملی درج گردیده است؛ به گونه‌ای که «بی‌تردید یکی از اصول کلی حقوق را تشکیل می‌دهد» و «یک اصل اساسی حکومت قانون است» (فضائلی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹).

۶-۱-۲. ممنوعیت سلب خودسرانه‌ی آزادی

«صدور قرار موقت باید صرفاً در اختیار مقام قضایی باشد و ضابطین دادگستری و مقامات اداری دستگاه عدالت کیفری از چنین اختیاری برخوردار نیستند، والا چنین بازداشتی خودسرانه است. عدم تشریفات قانونی باید به بطلان قرار بازداشت و مجازات مقام صادرکننده منجر شود؛ زیرا همان گونه که قبلاً بیان شده، این قرار به محرومیت اشخاص از حق آزادی منجر می‌شود که علی‌الاصول این مجازات شدید متعاقب یک رسیدگی و با تصمیم یک مقام قضایی انجام می‌شود» (صابر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹). گاهی مواقع ممکن است صدور قرار بازداشت موقت به واسطه‌ی قانون داخلی خودسرانه تلقی نگردد؛ اما در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی، خودسرانه تلقی گردد.

۷-۱-۲. حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه

«آنچه در یک محاکمه عادلانه اساسی و ضروری به نظر می‌رسد این است که تمام متهمین به جرم کیفری، به منظور تضمین هدمند بودن حق دفاع باید حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای دفاع را داشته باشند و این حق، جنبه‌ی مهم و اصل «تساوی ابزار و امکانات» است. دفاع و تعقیب باید به شیوه‌ای صورت بگیرد که حق طرفین دعوا را در برخورداری از

فرصت مساوی جهت آماده شدن و ارائه شکایت در طول روند رسیدگی تضمین نماید (طه و اشرفی، ۱۳۸۶: ۹۱).

۸-۱-۲. تحصیل دلایل در مرحله تحقیقات مقدماتی و رعایت حقوق متهمان

در رسیدگی به امر کیفری، هر نوع اقدامی که به حقوق اساسی فرد اختلال وارد آورد باید مبنای قانونی داشته باشد. بنابراین نه تنها بازداشت موقت و سایر اقدامات الزام‌آور و اجباری علیه متهم، بلکه تمامی موارد تحصیل دلایل نیز در حدی که ارتباط با حقوق اساسی داشته باشد دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است که تخطی از آن، نقض صریح قانون و موجب مسئولیت خواهد بود. صلاحیت اتخاذ تصمیم در خصوص اقدامات محدودکننده حقوق و آزادی‌های فردی در اکثر کشورها به قاضی دادگاه واگذار شده است. هرچند به مأموران پلیس و دادسرا نیز در موارد فوری، اختیار در بعضی اقدامات داده شده است، اما تصمیمات آنها در مهلت کوتاهی باید مورد تأیید قاضی قرار گیرد. اصول مربوط به تحصیل دلایل که در گزارش‌ها از آن یاد شده است مربوط به آزادی و قانونی بودن دلایل است و معنی آن این است که در دعوی کیفری هر نوع دلیلی پذیرفته است، مگر آنهایی که صریحاً در قانون اساسی و یا قانون عادی منع شده باشند. در مورد وسایل جدید مثل شنود الکترونیکی از راه دور یا مراقبت خودکار با دوربین عکاسی، گزارش کشورها مؤید این است که مصوبه‌ی قانونی در این باره وجود ندارد. اما غالباً چنین نتیجه گرفته‌اند که دلایل به دست آمده از این راه به آزادی و اسرار خصوصی فرد لطمه وارد می‌کند. مع‌هذا در بعضی گزارش‌ها آمده که تحصیل دلیل با این وسایل به علت حساس بودن امر باید توسط قانون‌گذار پیش‌بینی و ضوابط آن دقیقاً تعیین شود. در تحصیل دلایل، اسرار حرفه‌ای که ضامن اعتماد افراد است و معمولاً بین پزشک و بیمار و یا وکیل و موکل و از این قبیل مشاغل وجود دارد باید محفوظ بماند و مورد احترام قرار گیرد. مطبوعات نیز در حفظ اسرار نقش مهمی دارند. مدیران مسئول آن را نباید ملزم به ادای شهادت و افشای اطلاعات و اخبار مربوط به مقاله‌های نویسندگان نمود. به علاوه، از انتشار اخبار دادگستری راجع به محاکمات قبل از صدور حکم باید خودداری شود. به لحاظ اینکه آثار زیان‌بخش انتشار مطالب مربوط به جلسه‌ی دادرسی در مطبوعات احتمالی و غیرقابل جبران است، حداقل در کشورهایی که این آزادی به مطبوعات داده شده است باید محدودیت یا ممنوعیت‌ها در انتشار بعضی مطالب توسط مطبوعات یا به طور کلی رسانه‌های گروهی کنترل و لاقفل تعیین گردد. در اکثر گزارش‌ها با اعتقاد به اصل شایستگی و صحت دلایل، کلیه‌ی

دلایلی را که با نقض حقوق اساسی اشخاص بدست آمده و مبنای صریح قانونی ندارد، باطل و بلااثر شناخته‌اند. این قبیل دلایل مطلقاً قابلیت سنجش را ندارد.

در مورد دلایل ممنوعه، بعضی به شهود بدون هویت آشکار و نیز شهود وابسته به دولت یا مأمورانی که در شهادت یا گزارش مشخصات واقعی را افشاء نمی‌نمایند اشاره کرده و قبول این نوع شهادت را خطر مهمی در کشف حقیقت و مسأله‌ی دفاع دانسته‌اند. بنابراین شاهد و مأخذ اطلاعات او باید مشخص و آشکار باشد.

۲-۲. حق سکوت متهم در حقوق ایران و فرانسه

در این بخش از مقاله، بعد از تشریح حق سکوت در حقوق دو کشور فرانسه و ایران، به بررسی تطبیقی این اصل خواهیم پرداخت و سعی خواهیم کرد تا با ضمن ارجاع به قوانین موجود در این زمینه و نیز ذکر بعضی از پرونده‌های مربوطه، مقوله‌ی نامبرده را بیشتر تبیین نماییم.

۲-۲-۱. حق سکوت در حقوق فرانسه

حق سکوت از جمله انحصاراتی می‌باشد که بر اساس آن، شخصی که توسط پلیس دستگیر شده یا در برابر قاضی حضور به عمل رسانده است می‌تواند از آن برخوردار شود. بر اساس حق مزبور، شخص متهم می‌تواند سکوت کند بدون اینکه این سکوت برای پلیس یا قاضی یا سایر ماموران نظامی و دستگاه قضا قابل انتقاد و مذموم تلقی شود. به حق سکوت، «حق عدم خوداتهامی» یا «خودجرمانگاری» نیز گفته می‌شود. در فرانسه، طبق ماده ۶۳-۱ قانون آیین دادرسی کیفری، در جلسات دادرسی، فردی که توسط پلیس بازداشت می‌شود، حق دارد به سؤالاتی که از وی پرسیده می‌شود پاسخ دهد یا سکوت کند. حق سکوت که برای مدت طولانی توسط دادگاه حقوق بشر اروپا بر اساس ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (رای ۲۵ فوریه ۱۹۹۳) به رسمیت شناخته شده بود، به شخص مورد بازجویی اجازه می‌دهد تا در فرایند اتهاماتی که به وی وارد می‌شود، مشارکت نکند (Benbachir, 2021).

در باب اهمیت مسئله‌ی حق سکوت در حقوق فرانسه باید اشاره کرد که در سال ۲۰۱۰، شورای قانون اساسی این کشور مواد قانون آیین دادرسی کیفری مربوط به بازداشت پلیس را به دلیل عدم اعلام حق سکوت به افراد مربوطه، مغایر با قانون اساسی اعلام کرد. به طور مشخص، مأمور قانون که وظیفه‌ی تفهیم اتهام به شخص متهم را بر عهده دارد، علاوه بر این موظف است که حق سکوت متهم را نیز به وی یادآوری نماید. با این حال، حق عدم خوداتهامی و حق سکوت به طور رسمی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر گنجانده نشده است. به همین دلیل

است که دادگاه اروپایی حقوق بشر مجبور شد تفسیری گسترده از ماده ۶ کنوانسیون و تضمین‌های دادرسی عادلانه ایجاد کند. این دادگاه بارها یادآوری کرده است که حق عدم خوداتهامی یکی از ضمانت‌های محاکمه‌ی عادلانه است و به عنوان نتیجه، حق سکوت را به دنبال دارد (Benbashir, 2021).

مطابق ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، رئیس جلسه یا یکی از ارزیابان منتخب، پس از احراز هویت و اطلاع از اقدامی که موضوع را به دادگاه کیفری ارجاع داده است، به متهم برخورداری از حق خود را تفهیم می‌کند. این حق در طی گفتگوها، اظهار نظرات و بازجویی‌ها وجود دارد و به عبارت دیگر، متهم می‌تواند به سوالاتی که از او می‌شود جواب بدهد یا سکوت کند. این مقررات به موجب مفاد ماده ۵۱۲ همین قانون در شعبه‌ی تجدیدنظر اصلاحی قابل اجرا است. دادگاه تجدیدنظر تشخیص می‌دهد که در صورت نبود اطلاعات مورد نیاز ماده ۴۰۶ مذکور، تعرض به مصالح متهم در مفهوم مواد ۸۰۲ و ۱۷۱ در صورت اطلاع‌رسانی دیر هنگام، تخلف مذکور زمانی مشخص می‌شود که متهم قبل از دریافت این اخطار اقدام به صحبت نماید. هدف این متن و تفسیری که دادگاه تجدیدنظر داده است، محافظت از متهم در برابر خطر خوداتهامی با احساس موظف بودن به پاسخگویی به سؤالات دادگاه در طی جلسات است. خطر خوداتهامی تنها در صورتی وجود دارد که متهم در حین رسیدگی صحبت کند؛ چون اگر وی فقط در مورد شرایط حضور خودش در دادگاه تجدید نظر حرف بزند، مسئله‌ی مزبور منتفی است. در واقع دادگاه تجدیدنظر باید در موقعیتی قرار بگیرد که اطمینان حاصل کند که شخص متهم قبل از صحبت در جریان جلسات، از حق خود در بیان اظهارات، پاسخ به سؤالات و یا سکوت برخوردار است و از این رو هیچ گونه تضییع حقوق دفاعی صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، تنها حرف متهم، قبل از تفهیم اتهام، محدود به پاسخ به سؤالات مرتبط با ترکیب حوزه‌ی قضایی و دادگاه می‌باشد (Berlaud, 2023).

۲-۲-۲. حق سکوت در حقوق ایران

در قوانین ایران، در خصوص حق سکوت متهم در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، قانون اساسی صراحتی ندارد. متهم باید بداند که می‌تواند به سوالات پاسخ ندهد و سکوت او نمی‌تواند عواقب کیفری داشته باشد. این حق خصوصاً در شرایط فقدان وکیل (که متهم ناآشنا با قوانین ممکن است اغفال شود یا دچار توهم و تناقض‌گویی گردد)، وسیله‌ی دفاع از متهم است. تنها حضور وکیل است که می‌تواند سخن گفتن را برای متهم موجه سازد.

فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بر گیرنده‌ی اصولی است که تضمین کننده حقوق افراد کشور اعم از متهم و غیرمتهم است. در این فصل، اصول مهمی از جمله اصول ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ پیش‌بینی شده است که مربوط به حقوق دفاعی متهم است. مدلول این اصول در مواد ۲۴ و ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در موارد کیفری نیز آمده است.

طبق اصل ۳۲ قانون اساسی: «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون تعیین می‌کند. در صورت بازداشت موضوع اتهام، باید ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

لذا مطابق اصل ۳۲ قانون اساسی:

- (۱) تحقیقات و بازجویی از متهم باید در چارچوب موضوع اتهام باشد.
- (۲) تفهیم اتهام و بازجویی باید با ذکر دلیل بوده و کتبی باشد. برای مثال اگر فردی بر اساس اتهامی به دادگاه فراخوانده شد، موظف نیست به هر پرسشی پاسخ دهد و ابتدا باید بپرسد که اتهام من چیست، سپس هر سوال خارج از موضوع اتهام را نفی کرده و بگوید ربطی به اتهام ندارد و پاسخ نمی‌دهم.
- (۳) صرف طرح اتهام کافی نیست، بلکه لازم است اتهام در برگه‌ی بازجویی نوشته شود و متهم نیز کتباً پاسخ آن را بدهد. لذا متهم می‌تواند به سوالات شفاهی، جواب ندهد.

- (۴) صرف نوشتن اتهام کافی نیست و قانون صراحت دارد که اتهام باید با ذکر دلیل باشد. علی‌رغم نتایج به دست آمده از بررسی اصول قانون اساسی، به نظر می‌رسد در اصل ۳۲ قانون اساسی قرینه‌ای دال بر تصریح ضمنی به حق سکوت وجود ندارد. لذا قانون اساسی هیچ حقی در خصوص این که متهم می‌تواند در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی سکوت کند، به رسمیت نشناخته است.

قانون اساسی ایران تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه را از وظایف کلی دولت محسوب نموده و در فصل سوم (حقوق ملت) با ذکر جلوه‌هایی از حق بنیادین امنیت، تضمین‌هایی را برای احیا و استمرار آن مقرر داشته است. یکی از مهم‌ترین شعبه‌های این حق، حق دفاع متهم از خویش در رد دعوی یا اتهام‌های ناروا

نزد مراجع قضایی است. به عبارت دیگر حق دفاع، حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند رفتار مجرمانه یا ادعاهای حقوقی علیه خود را که بر اساس شکایت اشخاص و یا از سوی مقامات ذیصلاح انتظامی و قضایی به وی منتسب گردیده، با همه‌ی امکانات و طرق قانونی رد و انکار نماید (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۷، ۳).

برای تحقق دادرسی عادلانه نیازمند اجرای اصول و قواعد چندی در مراحل پنج‌گانه‌ی آیین دادرسی یعنی کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم هستیم. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حمایت از حق دادخواهی و دفاع برای شهروندان از طریق دادگستری شایسته، استقلال قضایی و مسئولیت قضات و دستگاه قضایی و عدالت کیفری از طریق اجرای اصل برائت، تعقیب قانونی و اصل محاکمه‌ی عادلانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین گردیده است.

۳-۲-۲. بررسی تطبیقی حق سکوت در حقوق ایران و فرانسه

در مقام بررسی تطبیقی حق سکوت در حقوق ایران و فرانسه، می‌توان به عنوان مثال به پرونده‌ی شخصی به نام آقای واو.^۱ مورخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۲ اشاره کرد که توسط انجمن‌های جنایتکارانه و جرایم علیه قوانین سلاح، به عنوان مجرم شناخته شد و در بازداشت موقت قرار گرفت. با دستور ۱۲ ژانویه ۲۰۲۳، قاضی دادگاه آزادی‌ها و بازداشت^۲، حکم بازداشت موقت را تمدید کرد و شعبه‌ی بازرسی نیز آن را تأیید نمود. شخص متهم با توسل به ادله‌ی زیر، درخواست تجدید نظر کرد:

(۱) استناد به عدم اطلاع‌رسانی قاضی به متهم درباره‌ی برخورداری وی از حق سکوت که به زعم متهم، بطلان حکم دادگاه را ثابت می‌کند.

(۲) متهم ادعا می‌کرد که حق دفاع از خود و به ویژه حق برخورداری از وکیل برای وی نقض شده است، زیرا وکیل نتوانسته بود در جلسه حضور داشته باشد و درخواست وی مبنی بر تعویق بحث نیز رد شده بود، چون شعبه‌ی بازرسی با توجه به مواردی که در اختیار داشت، چنین حکمی صادر کرده بود.

^۱ اسناد موجود در رابطه با این پرونده، به منظور حفظ حریم شخصی متهم، به ذکر جنسیت و حرف اول نام خانوادگی وی اکتفا نموده‌اند.

^۲ Juge des libertés et de la détention (JLD)

۳) بر طبق اظهار متهم، رای دفتر بازپرسی ملاحظات واقعی را که ماهیت ناکافی تعهدات حبس خانگی با نظارت الکترونیکی سیار را توجیه می‌کند، بیان نکرده است. بر طبق قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، این امر در صورت وجود بازداشت موقت بیش از هشت ماه مصداق دارد.

در صورتی که اتاق کیفری دیوان عالی کشور^۱ فرانسه دو دلیل اول را بی‌اثر بدانند، با توجه به اینکه شعبه‌ی بازرسی در مورد ناکافی بودن حبس خانگی توضیحی نداده است، پس با استناد به سومین دلیل، نقض حکم نظارت الکترونیکی سیار را صادر می‌کند. با این حال، اگرچه استدلال اول رد شده است، مطالعه‌ی آن همچنان مهم به نظر می‌رسد؛ زیرا دادگاه تجدیدنظر توضیحات مفیدی در رابطه با حق سکوت ارائه کرده است (Le Guyan, 2023). این دادگاه در راستای احکام قبلی خود، علی‌رغم اطلاع دیر هنگام حق سکوت (در پی بحث متناقض) و عدم وجود اطلاع‌رسانی به متهم، توانایی وی در عدم اظهار نظر را لحاظ خواهد کرد. با توجه به واقعیت، عدم اطلاع‌رسانی بدون تأثیر بر قانونی بودن تصمیم صادر شده باقی می‌ماند، زیرا اظهارات شخص مربوطه نمی‌تواند توسط دادگاه‌هایی که برای ارجاع به دادگاه بدوی یا احراز مجرمیت درخواست شده‌اند، علیه وی مورد استفاده قرار گیرد.

بنابراین، استدلال نخست متهم می‌تواند فرصت بازگشت به ماهیت ضروری حق سکوت در تئوری و محدودیت آن در عمل را مطرح کند. در تئوری، با علم به تشخیص (به رسمیت شناختن) متن محور (نص قانون) و بسط موارد موجود در نظریه‌پردازی حقوق که حق سکوت مشمول آنها بوده است، دامنه‌ی این حق نباید دچار محدودیت شود. با این حال، حق سکوت نمی‌تواند بدون وجود نوعی چارچوب‌بندی که به حفظ آن در محدوده‌های دقیق متمایل است، محلی از اعراب داشته باشد.

۱) تشخیص یا به رسمیت شناختن حق سکوت بر اساس نص قانون: بر این اساس، پیشینه‌ی به رسمیت شناختن چنین حقی به خودی خود دال بر عدم تمایل به رعایت آن است. در حالی که قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ مستلزم این بوده که به شخص بازداشت شده اطلاع داده شود («فرد حق دارد به سؤالاتی که بازپرس از او پرسیده می‌شود پاسخ ندهد»)، قانون ۴ مارس ۲۰۰۲ به یک فرمول دیگر مراجعه کرد که بر اساس آن، شخص بازداشت شده «حق بیان اظهارات، پاسخ به سؤالاتی که از او پرسیده می‌شود، یا

¹ Cour de cassation

سکوت» را دارد. آخرین مورد، مظنون را تشویق به صحبت می‌کرد قبل از اینکه به عنوان آخرین گزینه، احتمال سکوت از جانب وی در نظر گرفته شود. با این حال، قانونگذار لازم دانسته است که از طریق قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳، صرفاً لغو الزام برخورداری شخص بازداشتی از حق سکوت را لغو نماید. قانون‌گذار تنها از طریق قانون ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ در مورد بازداشت، احیای حق سکوت را با تثبیت قطعی آن در ماده ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری به این شرح مفید دانست: «حق اظهار نظر، پاسخ به سؤالات پرسیده شده یا سکوت». این حق مستقیماً ناشی از حق احترام به اصل برائت است که در ماده‌ی مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین در ماده‌ی ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند مقرر شده است. شورای قانون اساسی فرانسه از حق احترام به اصل برائت، حق عدم خوداتهامی را استنباط می‌کند که نتیجه‌ی منطقی آن برابر است با حق سکوت (Le Guyan, 2023).

۲) بسط موارد موجود در نظریه‌پردازی حقوق: دادگاه تجدیدنظر در دو مورد، خواستار ابلاغ حق سکوت بوده است. الف) در مواردی که دادگاه ناگزیر باید نسبت به اتهامات وارده رای صادر کند، به ویژه در صورت تجدیدنظرخواهی از قرار کیفرخواست یا زمانی که شعبه‌ی بازرسی سلب مسئولیت از متهم به علت اختلالات روانی را به عنوان بخشی از آیین دادرسی اعلام کرده است. برای اعلام جرم در شعبه‌ی بازرسی حاضر می‌شود. عدم به رسمیت شناختن این حق لزوماً موجب ایجاد بعضی موانع می‌گردد. ب) هرگاه دادگاه لزوماً باید از وجود دلایل جدی یا ثابت در این باب که شخص را به عنوان مرتکب یا شریک جرم در ارتکاب جرایمی که بر اساس آنها تحت تعقیب قرار می‌گیرد و نیز احتمالاً در جریان دعاوی مربوط به اقدامات تأمینی و به ویژه قبل از محاکمه، اطمینان حاصل نماید. برای مثال، رأی شعبه‌ی بازرسی در ارتباط با درخواست تجدیدنظر در مورد قرار رد درخواست آزادی و یا حتی در مورد قاضی دادگاه آزادی‌ها و بازداشت با صدور حکم تمدید بازداشت موقت، به این مقوله تعلق دارد. در این حکم، دادگاه تجدیدنظر تعهد به اعلام حق سکوت از جمله در مورد درخواست ساده‌ی ارجاع را تمدید می‌کند. به عبارت دیگر، متهم باید قبل از فراخوانده شدن به دادگاه، از حق سکوت خود مطلع شود (Le Guyan, 2023).

نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که یکسال قبل از پرونده‌ی مورد بحث، شورای قانون اساسی فرانسه^۱ در ۹ آوریل ۲۰۲۱ به مناسبت طرح مسائلی مرتبط با قانون اساسی که توسط دادگاه تجدید نظر ارسال شده بود، در باب سه مورد زیر رای صادر کرد:

(۱) اعلام حق سکوت در مقابل شعبه‌ی بازرسی در زمان درخواست بطلان رسیدگی کیفرخواست؛

(۲) درخواست تجدیدنظر علیه حکم بازداشت موقت؛

(۳) تنظیم پرونده‌ی اطلاعاتی.

بر طبق نظر این شورا، اگر شعبه بازرسی موظف بوده تا از وجود شواهد جدی و ثابت اطمینان حاصل نماید یا اتهامات وارده بر شخص متهم را ارزیابی کند، پس ناگزیر باید به بررسی واقعیات مبادرت ورزد. شورا تأکید می‌کند که وقتی فرد متهم در دادگاه حاضر می‌شود، ممکن است در پاسخ به سؤالاتی که از او پرسیده می‌شود، مجبور شود اتهامات ناشی از این واقعیات را بپذیرد. در نتیجه، با عدم پیش‌بینی اینکه شخص حاضر در دادگاه باید از حق سکوت خود مطلع شود، مقررات مزبور ناقض این حق بوده و بنابراین با قانون اساسی مغایرت دارد (Le Guyan, 2023).

قانون اساسی ایران نیز تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه را از وظایف کلی دولت محسوب نموده و در فصل سوم (حقوق ملت) با ذکر جلوه‌هایی از حق بنیادین امنیت، تضمین‌هایی را برای احیا و استمرار آن مقرر داشته است. یکی از مهمترین شعبه‌های این حق، حق دفاع متهم از خویش در رد دعوی یا اتهام‌های ناروا نزد مراجع قضایی است. به عبارت دیگر، حق دفاع حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند رفتار مجرمانه یا ادعاهای حقوقی علیه خود را که بر اساس شکایت اشخاص و یا از سوی مقامات ذیصلاح انتظامی و قضایی به وی منتسب گردیده، با همه‌ی امکانات و طرق قانونی رد و انکار نماید (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۷، ۳).

برای تحقق دادرسی عادلانه، نیازمند اجرای اصول و قواعدی در مراحل پنج‌گانه‌ی آیین دادرسی (یعنی کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم) هستیم. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از حق دادخواهی و دفاع برای شهروندان از طریق دادگستری شایسته، استقلال قضایی و مسؤولیت قضات و دستگاه قضایی و عدالت

^۱ Conseil Constitutionnel

کیفری از طریق اجرای اصل براءت، تعقیب قانونی و اصل محاکمه‌ی عادلانه در ق.ا.ج.ا.ا. تضمین گردیده است.

حق سکوت، یکی از حقوق دفاعی متهم است که در قوانین ایران پیش‌بینی و به رسمیت شناخته شده است. سکوت متهم در مراحل مختلف دادرسی؛ تعقیب، تحقیق، محاکمه و صدور حکم، از مصادیق بارز حقوق دفاعی وی محسوب شده است. حق سکوت از تضمینات ناظر بر حق دفاع متهم است که در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی و دادرسی حائز اهمیت است. متهم در پرتو این حق نه تنها می‌تواند سکوت اختیار کند و از پاسخ به سوالات مقام تحقیق و رسیدگی اجتناب نماید، بلکه مقام تعقیب و ضابطین قضایی از همان آغاز ملزم به اعلام این حق به متهم شده‌اند.

در نظام قضایی کشور ما، سکوت، حق متهم است و توسل به شیوه‌هایی مانند تهدید یا فریب و نیرنگ یا اجبار و اکراه برای واداشتن او به پاسخ‌گویی ممنوع شناخته شده است (اردبیلی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷) (ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲).

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت به ممنوعیت اخذ اقرار از طریق توسل به اکراه و اجبار اشاره کرده است. ضمن آن که سکوت متهم را نمی‌توان دلیل بر صحت واقعه یا تایید آن تلقی کرد. چرا که اگر سکوت متهم را به زیان او تفسیر کنیم، خود به خود حق سکوت را از او سلب کرده‌ایم. اگر چه در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب سال ۱۳۹۲، هیچ مقرره‌ی صریحی در خصوص داشتن حق سکوت متهم دیده نمی‌شود، اما از ماده ۱۹۷ قانون مذکور به صورت تلویحی این حق برای متهم استخراج می‌گردد. بر طبق این ماده، «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود». بنابراین حق سکوت متهم در اثنای بازجویی به نحو تلویحی مورد قبول مقنن است و قضات تحقیق و ضابطان دادگستری مکلف به رعایت این حق خواهند بود و لذا وی موظف نیست تا به پرسش‌هایی که توسط پلیس یا بازپرس مطرح می‌شود و هدفی جز اثبات مجرمیت وی ندارد، پاسخ گوید و مآلاً قاضی تحقیق را در اجرای وظیفه‌اش که همانا اثبات وقوع و انتساب جرم است، یاری رساند. این حق وی باید در اسرع وقت اعلام شود. حق سکوت در این معنی، یکی از آثار اصل براءت است که اقتضا دارد بار اثبات اتهام بر دوش مقام تعقیب باشد و متهم ملزم به اثبات بی‌گناهی خود نباشد. در عین حال، نتیجه‌ی سکوت متهم، لزوماً صدور قرار منع تعقیب در مورد او نیست. چنانچه دلایل

کافی بر انتساب بزه به او موجود باشد، با انصراف ارادی وی از بیان مطالبی در رد آنها، زمینه صدور قرار جلب به دادرسی فراهم می‌گردد.

باید به این موضوع نیز اشاره شود که حق سکوت که به طور مستقیم ناظر به حق متهم در برخورد با مقامات تحقیق و قضایی است، مانند بسیاری از موارد دیگر در آیین دادرسی کیفری (همچون بازداشت موقت، مرور زمان، قرار وثیقه، وجود مراجع اختصاصی و غیره) دارای موافقان و مخالفانی می‌باشد که هر یک استدلالی بر مدعای خود می‌آورند که البته در اینجا مجالی برای مطرح کردن آنها نیست. اما صرف نظر از این حمایت‌ها و مخالفت‌ها باید گفت که این حق امروزه به طور تقریبی در تمامی اسناد بین‌المللی پذیرفته شده؛ اما کشورهای مختلف در قوانین داخلی خود موضع‌گیری‌های متفاوتی نسبت به آن اتخاذ نموده‌اند. یکی از حقوق بنیادین هر متهم، حق سکوت است؛ یعنی متهم حق دارد پاسخ سوالات مقام قضایی را ندهد و سکوت کند. در این گونه موارد، مرجع قضایی حق ندارد او را وادار به پاسخگویی کند، بلکه مکلف است سکوت متهم را در صورت مجلس قید کند و برای کشف حقیقت راجع به ادله‌ی دیگر، تحقیق کند. آزادی متهم در ارائه‌ی اظهارات نزد مرجع تعقیب و منع اخذ اقرار به شکنجه، یکی از اصول اساسی یک دادرسی عادلانه است و بر این اساس حق پاسخ ندادن به سوالات مأمور تحقیق تحت عنوان حق سکوت به عنوان یک حق اساسی برای متهم در کلیه‌ی مراحل دادرسی، کم و بیش در کلیه‌ی نظام‌های کیفری جهان پذیرفته شده است. متهم مجبور به ادای شهادت و یا اعتراف به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند، بدون این که سکوت وی به منزله‌ی اعتراف و یا قرینه‌ای بر مجرمیت او تلقی شود (آخوندی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹).

نتیجه‌گیری

حقوق دفاعی متهم به عنوان یکی از ابعاد گسترده پیش‌بینی شده به موجب رعایت اصل برائت یا فرض بی‌گناهی، موجد تکالیفی برای ضابطین و مقامات قضایی است. این حقوق در مراحل مختلف دادرسی، در قانون اساسی کشورها و نیز مقرره‌های بین‌المللی تضمین شده است. یکی از ابعاد حقوق دفاعی متهم، حق سکوت وی می‌باشد که موافق با اصول حقوق بشر است و بایستی توسط ضابطین و مقامات قضایی محترم شمرده شود و پس از احضار یا جلب متهم، علاوه بر استعلام هویت و اعلام صریح اتهام، حق استفاده از آن به وی تفهیم گردد. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدون این که صراحتاً به حق سکوت اشاره نماید، به صورت ضمنی این حق را برای متهم در نظر گرفته است. ماده ۱۹۷ ق.ا.د.ک نیز به نحو

تلویحی به حق سکوت متهم در اثنای بازجویی اشاره کرده است. اما با این حال تکلیفی نسبت به اعلام حق سکوت به متهم، برای مقاماتی که در جریان دادرسی کیفری قرار می‌گیرند و به مناسبت مسئولیت خویش عهده‌دار امر تحقیق می‌شوند، نه در قانون اساسی و نه در قوانین عادی وجود ندارد. اعلام حق سکوت به متهم در کلیه‌ی مراحل دادرسی، به موجب رعایت رفتارهای انسانی و کرامت‌مدار بشری به فرد متهمی که هنوز از وی جرمی به اثبات نرسیده است یا حتی اگر دلایل مجرمانه متوجه وی باشد و منجر به صدور حکم علیه او شده باشد، نمی‌تواند مصون از نقض در مرحله‌ی تجدیدنظرخواهی باشد. این امر از جمله تضمین‌های بنیادی برای قانونمند کردن کیفر تحمیلی با رعایت معیار انسانی است؛ چرا که حداکثر خطای فرد متهم، جرم ارتكابی اوست که با رعایت اصل قانونی بودن جرم و اصول حاکم بر اثبات و مستند ساختن عمل مجرمانه به وی با کیفری که مبتنی بر اصل قانونی بودن مجازات است، مواجه هستیم.

ملزم ساختن ضابطین و مقامات قضایی به اعلام حق سکوت در مراحل تعقیب، تحقیق، دادرسی و حتی پس از صدور حکم به لحاظ دستاوردهای وسیع حقوق بشری و قرائت‌های نوین بر گسترده ساختن قلمرو اصل برائت، از افق‌های روشنی برای استحقاق افراد از رفتارهای انسانی هماهنگ با کرامت و جایگاه والای انسانی است. چرا که زمانی می‌توان به ترسیم حقوق بشر در یک نظام حقوقی امیدوار بود که درک مراتب کرامت و ارزش والای انسانی بر فضای جامعه طنین‌افکن باشد. در قوانین کشورهای مرفعی در زمینه حقوق بشر، قضات تحقیق و ضابطین و پلیس الزام دارند به اینکه متهم را از این حق، چه در مرحله‌ی تحقیق و چه در مرحله‌ی محاکمه، آگاه کنند. لیکن در قوانین کشور ما، هیچ صراحتی در این خصوص و نیز اعلام آن به متهم وجود ندارد. لذا عدم پیش‌بینی صریح تکلیف مقامات قضایی مبنی بر اعلام حق سکوت به متهم در مرحله‌ی تعقیب، تحقیق و محاکمه، با خلاء تقنینی مواجه می‌باشد. بنابراین در جهت بهبود هر چه بیشتر حقوق دفاعی متهم، پیش‌بینی صریح الزام مقام‌های فوق به اعلام داشتن این حق به متهم ضروری به نظر می‌رسد.

از بررسی اسناد و متون دستگاه قضایی فرانسه در زمینه حقوق بشر و رویه جاری در سامانه‌های حقوقی مختلف چنین بر می‌آید که بحث فقط وجود یا نبود حق سکوت نیست، بلکه ماهیت دقیق این حق نیز مطرح است. تا سال ۱۹۶۶ که پیش‌نویس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تهیه شد، حق سکوت به صراحت در هیچ سند بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفته بود. از این رو، تحولات جدید باعث شد که این حق به منزله‌ی حقی مسلم مورد توجه

دستگاه قضایی فرانسه قرار گیرد. افزون بر این، حق سکوت در رویه‌ی قضائی فرانسه نیز از جهت مفهوم و قلمرو مورد توجه بوده است؛ هر چند بحث استنباط‌های مخالف از سکوت متهم در مراحل مختلف رسیدگی مطرح است. با وجود این، در فرانسه اصل حق سکوت متهم پذیرفته شده و تفاوت تنها در اهمیت این حق در مقام توازن میان امکان استنباط‌های مخالف از حق سکوت و منع الزام وی به اقرار می‌باشد. در حقوق ایران نیز حق سکوت، هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی مورد پذیرش واقع شده است؛ ولی رویه‌ی قضایی وارد این بحث نشده تا قلمرو و جنبه‌های آن را روشن کند و اساساً وارد بحث امکان یا عدم امکان استنباط از حق سکوت نشده است.

منابع و مأخذ:

- آخوندی، محمود (۱۳۸۷). **آیین دادرسی کیفری (ج ۴)**. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد (۱۳۹۳). **آیین دادرسی کیفری**. تهران: ج ۱، انتشارات سمت.
- سهراب بیگ، امیر (۱۳۸۰). **راهکارهای غلبه بر اطلاع دادرسی**. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۵). **آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)**. تهران: نشر دراک.
- صابر، محمود (۱۳۸۸). «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، **مجله مدرس علوم انسانی و پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۱۳، شماره ۴.
- صیاد، راضیه (۱۳۹۰). «دادرسی عادلانه، در پرتوی هنجارهای ملی و بین‌المللی»، **هنجارهای ملی - بین‌المللی**.
- طه، فریده؛ اشرافی، لیلی (۱۳۸۶). **دادرسی عادلانه**. تهران: نشر میزان.
- فضائی، مصطفی (۱۳۸۹). **دادرسی عادلانه، محاکمان کیفری بین‌المللی**. تهران: شهر دانش.
- فلاح‌نژاد، فاطمه؛ کوشا، جعفر؛ گلدوست جویباری، رجیعی (۱۴۰۲). «حقوق دفاعی متهم: حق سکوت و منع اجبار به خودمجرمانگاری؛ در سیستم عدالت کیفری ایران و جمهوری خلق چین»، **مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، دوره ۱۱، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۶۵-۱۰۰.
- کشاورز، بهمن (۱۳۹۲). «آیین دادرسی کیفری جدید، رییس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران در گفت و گو با گروه پژوهش و تحلیل ایرنا»، **ایرنا**.
- متین دفتری، احمد (۱۳۹۲). **آیین دادرسی مدنی و بازرگانی**، ج ۲، تهران: نشر میزان.
- محمدخانی، حسین (۱۳۹۰). **اطاله دادرسی و فشار فزاینده بر قاضی**، معاون قضایی رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران.
- موسوی، سیدعلیرضا؛ قاسمی، مسعود و محمدجواد جعفری (۱۳۹۹). «بررسی چالش‌های اخلاقی حق سکوت متهم در نظام حقوقی ایران»، **پژوهش‌های اخلاقی**، سال دهم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۳۵-۲۵۴.
- مودن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۷۳). **حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن**، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- یکرنگی، محمد (۱۳۸۶). «حق متهم در سیستم عدالت کیفری نوین»، **مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات حوزه ریاست قوه قضاییه.

منابع فرانسوی

- Benbachir, R. (2021), « Le droit au silence et le silence en droit : entre droit pénal et droit civil », **Useyourlaw.com**, July 2021. Available at: <https://www.useyourlaw.com/le-droit-au-silence-et-le-silence-en-droit-entre-droit-penal-et-droit-civil/>
- Berlaud, Catherine (2023), « Information du droit au silence », **Actu-juridique.fr**, 30/11/2023. Available at: <https://www.actu-juridique.fr/breves/droit-penal/information-du-droit-au-silence/>
- Le Guyane, Aurore (2023), «Droit de garder le silence devant le JLD dépourvu d'effets pratiques », **Village de la justice**, 12 July 2023. Available at: <https://www.village-justice.com/articles/droit-garder-silence-devant-juge-des-libertes-detention-droit-purement,46730.html>